

برخواستن عیسی از مردگان - لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶ ؛ ۲۴: ۱-۱۶

ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

برخواستن عیسی از مردگان - لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶

۵۰ در آنجا مردی به نام یوسف حضور داشت که یکی از اعضای شورای یهود بود. او مردی نیکنام و درستکار بود.
۵۱ یوسف به تصمیم شورا و کاری که در پیش گرفته بودند رأی مخالف داده بود. او از اهالی یک شهر یهودی به نام رامه بود و از آن کسانی بود که در انتظار پادشاهی خدا بسر می بردند. ۵۲ این مرد در این موقع پیش پیلطس رفت و جنازه عیسی را خواست. ۵۳ سپس آن را پایین آورد و در کتان نازک پیچید و در مقبره ای که از سنگ تراشیده شده بود و پیش از آن کسی را در آن نگذاشته بودند قرار داد. ۵۴ آن روز، روز تهیه بود و روز سبب از آن ساعت شروع می شد. ۵۵ زنانی که از جلیل همراه عیسی آمده بودند به دنبال یوسف رفتند. آن ها مقبره و جای دفن او را دیدند. ۵۶ سپس به خانه رفتند و حنوط و عطریات تهیه کردند و در روز سبب مطابق امر شریعت استراحت نمودند.

برخواستن عیسی از مردگان - لوقا ۲۴: ۱-۱۶

۱ در روز اول هفته (یکشنبه) صبح وقت سر قبر آمدند و حنوطی را که تهیه کرده بودند، با خود آوردند. ۲ آن ها دیدند که سنگ از در مقبره به کنار غلطانیده شده ۳ و وقتی به داخل رفتند از جسد عیسی اثری نبود. ۴ پریشان و نگران در آنجا ایستاده بودند که ناگهان دو مرد با لباس های نورانی در پهلوی شان ایستادند. ۵ زنان سخت ترسیدند و در حالی که سرهای خود را به زیر انداخته بودند ایستادند. آن دو مرد گفتند: «چرا زنده را در میان مردگان می جویید؟ ۶ او اینجا نیست بلکه زنده شده است. آنچه را در وقت بودن در جلیل به شما گفت به یاد بیاورید ۷ که چطور پسر انسان می بایست به دست خطاکاران تسلیم گردد و مصلوب شود و در روز سوم زنده شود.» ۸ آن وقت زنان سخنان او را به خاطر آوردند ۹ و وقتی از سر قبر برگشتند تمام موضوع را به یازده حواری و دیگران گزارش دادند. ۱۰ آن زنان عبارت بودند از مریم مجدلیه، یونا و مریم مادر یعقوب. زنان دیگر هم که با آنها بودند، جریان را به رسولان گفتند. ۱۱ اما موضوع به نظر آنها پوچ و بی معنی آمد و سخنان آنها را باور نمی کردند ۱۲ اما پطرس برخاست و به سوی قبر دوید و خم شده نگاه کرد، ولی چیزی جز کفن ندید.
سپس در حالی که از این واقعه در حیرت بود به خانه برگشت. ۱۳ همان روز دو نفر از آنها به سوی دهکده ای به نام عمائوس که تقریباً در دو فرسنگی اورشلیم واقع شده است می رفتند. ۱۴ آن دو درباره همه این واقعات صحبت می کردند.

۱۵ همينطور كه سرگرم صحبت و مباحثه بودند خود عيسى نزديك شد و با آنها همراه شد. ۱۶ اما چيزي پيش چشمان آن ها را گرفت، بطوريكه او را نشناختند.

پرسان كنيد/ جواب دهيد

در اين متن چه مي بينيد؟

اين براي شما چه معنای دارد؟

چه چيزي را در اين متن دوست داريد / دوست نداريد؟

چطور اين متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغيير مي دهد؟

جواب: اگر اين درست است... پس

چطور ميتواند راه و روش زندگي شما را تغيير دهد؟

درس امروز را ميخواهيد با چه كسي شريك بسازيد؟

ختم كردن جلسه

تصميم بگيريد كه چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد كرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهيد.